

سبک‌های شناختی، ابعاد پنج‌گانه شخصیت و خلاقیت در هنرمندان

سمیرا حقوقی^{۱*}، محمدحسین عبداللهی^۲، تورج هاشمی^۳

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه تبریز Samira.hoghoughi@gmail.com

^۲عضو هیئت دانشگاه خوارزمی

^۳عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی سبک‌های شناختی و تیپ‌های شخصیتی هنرمندان و تاثیر آن بر میزان خلاقیت آنها پرداخت. نمونه مورد پژوهش شامل ۵۰ هنرمند می‌باشد که به صورت غیر تصادفی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از میان هنرمندان شهر تهران انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه مجموعه اشکال پنهان شده (GEFT) (ویتکن)، آزمون خلاقیت عابدی و پرسشنامه پنج عاملی شخصیت (NEO) می‌باشد. نتایج حاصل نشان داد که بین نمرات سبک شناختی استقلال-وابستگی میدانی و میزان خلاقیت هنرمندان رابطه مثبت وجود دارد. **کلید واژه‌ها:** صفات پنج‌گانه شخصیتی؛ سبک‌های شناختی؛ خلاقیت؛ هنرمندان

مقدمه

مشاهده‌ی جهان امروز نشان دهنده‌ی کنش متقابل افراد با پیچیدگی‌های محیط به منظور برآوردن نیازهایشان می‌باشد. جوامع هر روزه تغییر کرده و پیچیده‌تر می‌شوند و ما باید راه‌های سودمندتر برای همسو شدن با این پیچیدگی‌ها را بیابیم، به این منظور که جامعه و تمدن ما پیوسته ترقی کرده و شکوفا شود (آدام، ۱۹۹۶).

از این رو، بررسی خلاقیت و عوامل اثرگذار بر آن، یکی از راه‌های همسو شدن با این تغییرات و پیچیدگی‌ها می‌باشد که از سالها پیش علاقه به مطالعه خلاقیت را در بین محققان برانگیخته است.

به واسطه اهمیت نقش عوامل همایند فطری در حل مسئله خلاقیت، در طی ۵۰ سال اخیر، پژوهش‌های متعددی کوشش کرده‌اند تا رگه‌ها و نیمرخ‌های شخصیتی افراد بسیار خلاق را از افراد دارای خلاقیت کم، متمایز کنند. تفاوت‌های فردی بیانگر ابعادی هستند که کنش‌وری افراد را از یکدیگر متمایز می‌کند (رانکو، ۲۰۰۷). به تفاوت‌های فردی می‌توان به وسیله مهارت‌های شناختی خاص و رگه‌های شخصیتی نظیر سیالی (تعداد افکار)، اصالت (تعداد افکار منحصر به فرد یا غیر معمول) و انعطاف‌پذیری (تعداد طبقه‌های مختلف به کار رفته توسط افکار)، دیداری-سازی، تخیل، بیانگری، گشودگی نسبت به تجربه و رگه‌های فزون یافته دست یافت (رانکو، ۲۰۰۷؛ فولی، ۲۰۰۶).

از الگوی ۵ عاملی شخصیت کاستا و مک کری (۱۹۹۲) برای مطالعه ویژگی‌های شخصیتی افراد خلاق و غیر خلاق در پژوهش‌های مختلف استفاده شده است.

دسته‌ای دیگر از محققان برای فهم کامل‌تر فرآیند خلاق روی ابعاد شناختی از قبیل سبک‌های شناختی متمرکز شده‌اند (دسی و ریان، ۱۹۹۸). سبک شناختی در واقع سازه‌ای روانی است که روی ارتباط بین شناخت و شخصیت تاکید دارد. سبک شناختی به انتخاب‌های نسبتاً پایدار افراد برای سازماندهی و بازیابی اطلاعات اشاره دارد و شامل ویژگی‌هایی در افراد است که چگونگی عکس‌العمل و پاسخدهی آنها را در موقعیت‌های مختلف تعیین می‌کند (سارچوا، ۲۰۰۰).

برای درک بهتر تفاوت‌های فردی در خلاقیت، محققان از زوایای مختلف به بررسی و پژوهش در این زمینه پرداخته‌اند و تحقیقات از دهه ۱۹۵۰ تاکنون عمدتاً در سه حیطه اصلی یعنی حیطه اجتماعی، حیطه‌ی شخصیتی و حیطه‌ی شناختی (شهرآرای، ۱۳۷۴). در این پژوهش دو حیطه آخر مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

تحقیقات در زمینه خلاقیت و تفاوت‌های فردی بیشتر در حیطه سبک‌ها یا توانایی‌های شناختی انجام شده است از جمله سبک‌ها یا توانایی‌های شناختی که به نظر می‌رسد با خلاقیت ارتباط دارند، به تحقیقات نوپ و گالاگر (۱۹۷۷)؛ به نقل از شهرآرای، (۱۳۷۴) در زمینه سبک شناختی (مستقل از زمینه و وابسته به زمینه) روش‌های حل مسئله یا تفکر، پیچیدگی شناختی، تفکر یا تولید واگرا، روانی عقیده‌ای، روانی

تصویری و کلامی می‌توان اشاره کرد.

مدل پنج عاملی شخصیت، یک سازمان سلسله مراتبی از صفات شخصیتی است که بر حسب پنج بعد اساسی، برون‌گرایی، روان‌رنجور، خوبی، گشودگی، وظیفه‌شناسی و توافق تدوین یافته است. این ابعاد به عنوان پنج عامل بزرگ خوانده می‌شوند و این نه به دلیل عظمت آنها، بلکه به دلیل گسترده و انتزاعی بودن آنهاست (مک کری و کاستا، ۱۹۹۷).

سبک شناختی بر اینکه چگونه یک فرد پیرامون وقایع زندگی خود می‌اندیشد تصمیم‌گیری می‌کند و واکنش نشان می‌دهد، اثر می‌گذارد. سبک‌های شناختی همچنین بر نگرش یک فرد نسبت به دیگران و شیوه‌های برقراری ارتباط با آنها تاثیر می‌گذارد (اسد زاده، ۱۳۸۴). افراد دارای سبک شناختی وابسته به زمینه به محرک‌های بیرونی بوده، ساختار موجود را می‌پذیرند و به راهنمایی و هدایت دیگران نیازمندند. در حالی که افراد ناوابسته به زمینه به نحوه فعالانه و خلاق ساختار خاص خود را خلق می‌کنند و به هدایت و راهنمایی کمتری نیازمندند (کدیور، ۱۳۸۱).

در این زمینه تحقیقاتی از جمله توسط کوهن، سوردلیک و فیلیپس (۱۹۹۶، هیساکر (۱۹۸۱)) و یا میلر (۲۰۰۷) انجام شده که نشان داده که اولاً افراد وابسته به زمینه در مقایسه با افراد ناوابسته به زمینه از خلاقیت کمتری برخوردارند، ثانياً افراد وابسته به زمینه مطیع‌تر بوده و در مقایسه با افراد ناوابسته به زمینه از خلاقیت پایین‌تری برخوردارند و در مقابل افراد ناوابسته به زمینه، خود آگاه‌ترند و افراد خلاق و مبتکری می‌باشند، و ثالثاً اینکه نمرات افراد وابسته به زمینه به طور معناداری در اندازه‌گیری خلاقیت از افراد وابسته به زمینه بیشتر بوده است. البته لازم بذکر است در داخل کشور نیز تحقیقات پرنده خوزانی در سال ۱۳۸۷ در بررسی رابطه بین سبک‌های شناختی با خلاقیت با لحاظ مولفه‌ی خودپنداره و همینطور بی‌تأگاهی و همکاری‌ها در زمینه رابطه‌ی سبک شناختی استقلال-وابستگی میدانی با خلاقیت در دانش‌آموزان اصفهانی نیز این امر را تصدیق می‌کند. نتایج حاکی از این بود که بین نمرات سبک شناختی استقلال-وابستگی میدانی در دانش‌آموزان و خرده مقیاس‌های بسط و ابتکار همبستگی مثبت و معنا داری وجود دارد.

در زمینه رابطه بین ویژگی‌های شخصیت با خلاقیت و یا بطور خاص با خلاقیت شناختی و هیجانی، طهماسبیان و همکارانش (۱۳۸۹)، جوکار و البرزی (۱۳۸۹)، و همینطور زارع و همکارانش در تحقیقات متفاوت نشان دادند که ارتباط معنی داری بین ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت وجود دارد و از میان خرده مقیاس‌های صفات شخصیت، تنها خرده مقیاس‌های برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، با خلاقیت رابطه مثبت معنی داری دارند، و از بین پنج عامل شخصیتی، عوامل گشودگی در تجربه، برون‌گرایی پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی و عامل توافق‌پذیری پیش‌بینی کننده مثبت و روان‌نژندی پیش‌بینی کننده منفی خلاقیت شناختی بودند.

آدریان فرنهام و همکارانش در رابطه با پیشبینی‌های تفاوت‌فردی از خلاقیت دانشجویان هنر و دیگر علوم در سال ۲۰۱۱ با استفاده از آزمون ضریب بتا نشان داد تنها گشودگی بر تجارب تنها شاخص پیش‌بین افزایش سطح خلاقیت در مقیاس خودسنجی خلاقیت دانشجویان هنر در مقایسه با دانشجویان علوم دیگر رابطه‌ی معناداری دارد و از طرفی صفت برون‌گرایی تنها شاخص پیش‌بین میزان خلاقیت در آزمون BICB (پرسشنامه شرح‌حال رفتارهای خلاقانه) می‌باشند. تحقیق حاضر ابتدا به بررسی سبک‌های شناختی، ابعاد پنج‌گانه شخصیت، خلاقیت در هنرمندان پرداخت، و سپس ارتباط میان سبک شناختی ناوابسته به زمینه و صفات شخصیتی گشودگی و برون‌گرایی با خلاقیت را بررسی کرد.

روش

شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

با توجه به اهداف و فرضیات تحقیق طرح مورد استفاده در پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد. بوده و به بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های شناختی، ابعاد شخصیت و میزان خلاقیت در میان هنرمندان شهر تهران می‌پردازد. جامعه این پژوهش کلیه هنرمندان شهر تهران را شامل می‌شود که در سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ در زمینه‌ی هنری خود مشغول به کار بوده‌اند و اثر هنری آنها مورد توجه عمومی واقع شده است و یا در این بازه‌ی زمانی فعالیت هنری داشته‌اند و آثار آنها واجد ویژگی‌های خلاقیت (نوین و مبتکرانه) می‌باشد. فرد دارای مدرک هنری باشد، فرد حداقل یک کار هنری در یکسال گذشته ارائه کرده باشد، سابقه بیماری روانی یا جسمانی خاصی نداشته باشد. و حاضر به همکاری باشد.

تعداد ۵۰ نفر (۱۰ نفر در هر یک از رشته‌های نقاشی، موسیقی، خطاطی، عکاسی، بازیگری) به روش نمونه‌گیری همدقمند به صورت غیر تصادفی از افراد در دسترس با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود انتخاب شده‌اند.

ابزار

از پرسشنامه ی شخصیتی NEO، فرم کوتاه ۶۰ سوالی و تجدید نظر شده که توسط مک کری و کوستا ساخته شده، استفاده شده است که سوالات آن در یک مقیاس لیکرت پنج درجه ای و توسط خود فرد پاسخ داده می‌شوند. آنها ضرایب پایایی ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ را به ترتیب برای عوامل C، A، O، E، N به دست آوردند. در تحقیق امانی (۱۳۸۳)، اعتبار بازآزمون به فاصله ی دو هفته برای مقیاس‌های این تست، بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ و دامنه ی ضریب همسانی درونی آن ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ گزارش شده است.

آزمون سنجش خلاقیت عابدی: این آزمون که بر اساس نظریه ی تورنس درباره ی خلاقیت در سال ۱۳۶۳ به وسیله ی عابدی در تهران ساخته شد، این آزمون ۶۰ سوالی از چهار خرده آزمون سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری تشکیل شده است. در پژوهشی که توسط دائمی با هدف هنجاریابی آزمون خلاقیت عابدی بر روی دانش آموزان صورت گرفت، نتایج نشان دادند که ضریب اعتبار آزمون- باز آزمون خرده آزمونه‌های این تست در مقوله‌ی سیالی ۰/۴۶۸، بسط ۰/۴۴۴، ابتکار ۰/۶۱۴ و انعطاف پذیری ۰/۵۹۵ به دست آمد. ضریب همسانی درونی برای این آزمون از ۰/۴۸ تا ۰/۶۸ (میانگین ۰/۵۹۵) درجه بندی شده است. ضریب همبستگی بین خرده آزمون‌ها برای سیالی ۰/۴۶۸، بسط ۰/۱۹۵، ابتکار ۰/۴۲۴ و انعطاف پذیری ۰/۳۶۱ (میانگین ۰/۲۶۵) به دست آمده است (دائمی، ۱۳۸۳).

پرسشنامه مجموعه اشکال پنهان شده (سبک‌های شناختی ویتکن): این آزمون (GEFT) در سال ۱۹۷۱ توسط ویتکن، التمن، راسکین و کارپ برای سنجش سبک‌های شناختی وابسته به زمینه تهیه شده، و شامل ۲۵ تصویر پیچیده است و از آزمودنی خواسته می‌شود در هر تصویر یکی از اشکال هندسی ساده فرم نمونه را که در درون یک طرح پیچیده نهفته است پیدا کرده و رنگ کند. هنجاریابی آن در داخل کشور توسط فرامرزی (۱۳۷۹) و قدم پور (۱۳۸۵) انجام شده و نشان داده که آزمون مذکور از روایی و اعتبار مناسبی برخوردار است. در پژوهش حاضر نیز ضریب همبستگی بین نمرات بخش‌های دوم و سوم که بخش‌های اصلی آزمون بوده اند، ۰/۶۶ و با استفاده از فرمول اسپیرمن- براون پایایی کل آزمون برابر ۰/۷۹۵ و با استفاده از روش آلفای کرانباخ ضریب اعتبار ۰/۸۵ بدست آمده است.

شیوه اجرا

در پژوهش حاضر روش اجرایی پرسشنامه به صورت انفرادی و قلم-کاغذی است. پاسخ‌ها در سه پرسشنامه به صورتی که در توضیحات هر ابزار ذکر شد، نمره گذاری شده است. به منظور اجرای این پرسشنامه‌ها با هماهنگی با اعضای محترم خانه‌ی هنرمندان و گروه‌های هنری مرتبط با اعضا، پرسشنامه‌ها بین ۵۰ نفر از هنرمندان با توجه به زمینه ی هنری آنها که شامل زمینه‌های موسیقی، نقاشی، عکاسی، خطاطی و بازیگری بود و همچنین ملاک‌های ورود نمونه آماری، توزیع گردید و توضیحات لازم در رابطه با نحوه ی اجرا و پاسخگویی به صورت انفرادی مطرح شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر استفاده از شاخصه‌های توصیفی، از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل آماری رگرسیون استفاده گردید.

نتایج

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیر خلاقیت را به تفکیک زمینه ی هنری افراد نشان می‌دهد. با توجه به جدول می‌توان دریافت که گروه هنرمندان به طور کلی از خلاقیت بالایی در آزمون خلاقیت عابدی (۱۳۶۳) برخوردار هستند.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیر خلاقیت را به تفکیک زمینه هنری

انحراف استاندارد	میانگین	زمینه‌های هنری
۱۷/۳۷	۱۴۲/۷۰	موسیقی
۱۳/۶۳	۱۴۲/۱۰	نقاشی
۱۴/۲۲	۱۵۲/۰۰	عکاسی
۱۶/۲۵	۱۴۷/۵۵	بازیگری
۱۵/۳۷	۱۴۷/۴۰	خطاطی

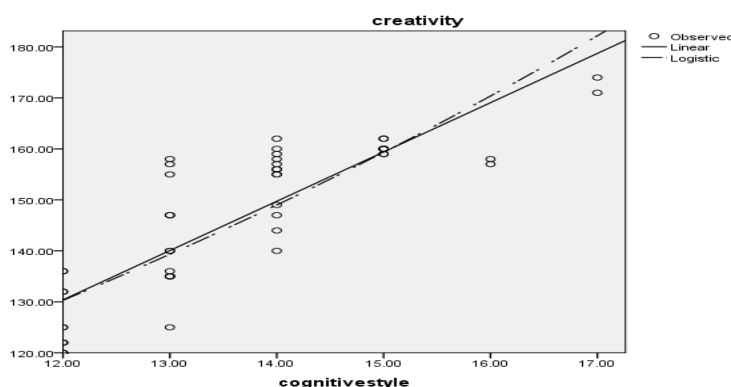
با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی ۰/۸۵۷ سبک شناختی را با خلاقیت در سطح معناداری ۰/۰۰۱ بدست آمده است. لذا بین سبک شناختی وابسته-ناوابسته به زمینه و متغیر خلاقیت همبستگی بالایی وجود دارد. و همچنین این همبستگی در رابطه با متغیر عوامل شخصیتی و خلاقیت نشان می‌دهد که عامل‌های برون‌گرای و گشودگی به ترتیب با همبستگی ۰/۸۹ و ۰/۸۳ و با سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ به طور معنادار با خلاقیت همبسته می‌باشند. جدول ۲ نشان دهنده ی این روابط و همبستگی‌ها می‌باشد.

جدول ۲. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای صفات شخصیتی، سبک شناختی و خلاقیت

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
صفت شخصیتی برون‌گرایی و خلاقیت	۰/۹۸**	۰/۰۱
صفت شخصیتی گشودگی و خلاقیت	۰/۸۳**	۰/۰۱
صفت شخصیتی توافق‌پذیری و خلاقیت	-۰/۱۸۴	۰/۲۰
صفت شخصیتی وظیفه‌شناسی و خلاقیت	۰/۰۲۱	۰/۸۸۴
صفت شخصیتی روان‌رنجوری و خلاقیت	۰/۶۳	۰/۶۶
سبک شناختی وابسته-ناوابسته به زمینه و خلاقیت	۰/۸۵۷**	۰/۰۰۱

شکل ۱ طرح رجستریک میزان خلاقیت را بر اساس سبک شناختی نشان می‌دهد. همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد، با افزایش نمرات سبک شناختی، یعنی ناوابسته‌تر شدن سبک شناختی به زمینه نمرات خلاقیت افزایش می‌یابد لذا افراد با سبک شناختی ناوابسته‌تر به زمینه خلاق‌ترند.

تحلیل آماری رگرسیون داده‌ها نشان داد که صفت گشودگی علاوه بر همبستگی بالا با میزان خلاقیت پیش‌بین مناسبی برای متغیر خلاقیت نمی‌باشد. اما همین تحلیل در رابطه با داده‌ی مربوط به عامل برون‌گرایی (E) نشان داد این عامل پیش‌بین مناسبی برای متغیر ملاک خلاقیت محسوب می‌شود. در رابطه با عامل توافق‌پذیری نتایج همبستگی منفی معناداری را با خلاقیت نشان ندادند.



شکل ۱. طرح رگرسیون خلاقیت بر اساس سبک شناختی

بحث

افراد وابسته به زمینه در ادراک موفقیتها از رویکرد کلی استفاده می‌کنند در حالی که افراد ناوابسته به زمینه رویکرد تحلیلی‌تر دارند. افراد ناوابسته به زمینه در شناسایی جزئیات محیط خوب عمل می‌کنند و تمایل دارند که جزئیات را مستقل از زمینه ببینند. افراد وابسته به زمینه کمتر قادرند که جزئیات را جدا از محیط کلی‌شان درک کنند (ویتکین، ۱۹۹۷؛ به نقل از؛ اساراچو، ۲۰۰۰). بر اساس ویژگی‌های ذکر شده می‌توان گفت که افراد ناوابسته به زمینه خلاق‌تر از افراد وابسته به زمینه هستند چرا که در تعاریف خلاقیت عنصر توجه به جزئیات و عدم پیروی از محیط و اتفاقات پیرامون آن به چشم می‌خورد.

تحقیقات متنوعی به بررسی رابطه‌ی صفات شخصیتی و خلاقیت پرداخته‌اند و همانطور که در ادبیات پیشین ذکر شد، بسیاری از آنها رابطه‌ی بین این دو متغیر را با اثبات رسانده‌اند.

با توجه به نتایج به دست آمده عامل برون‌گرایی پیش‌بین مناسبی برای خلاقیت محسوب می‌شود. این رابطه را می‌توان در تعاریف عامل

برون‌گرایی نیز یافت چراکه افراد برون‌گرا افرادی فعال، هیجان‌جو و متمایل به ریسک هستند و این صفات در افراد خلاق نیز به خوبی قابل لمس است.

در چندین مطالعه رابطه فوق‌درباره عامل گشودگی نیز به چشم می‌خورد. ولی در مطالعه‌ی حاضر تنها رابطه‌ی همبستگی و نه رابطه‌ی پیش‌بینی خلاقیت توسط عامل گشودگی تایید می‌شود. این همبستگی بالا ابدأ دور از ذهن نیست چون در تعریف عامل گشودگی گرایش به ابتکار، خلاقیت و انعطاف‌پذیری در برابر تجارب وجود دارد و این ویژگی‌ها هم ارز ویژگی‌های افراد خلاق می‌باشد. در مطالعات دیگر همبستگی منفی بین عوامل روان‌رنجوری و توافق با خلاقیت به اثبات رسیده‌اند ولی در مطالعه‌ی حاضر این روابط به طور معنادار به تایید نرسیده‌اند.

منابع

- آگاهی اصفهانی، بیتا، طاهر نشاط دوست، حمید و نائل حسین. (۱۳۸۱). بررسی رابطه سبک شناختی استقلال - وابستگی میدانی با خلاقیت، دانشگاه اصفهان: مجله روانشناسی، ۲۹، ۳۷-۵۱.
- اسدزاده، حسن. (۱۳۸۴). *آموختن و سبک شناختی*. انتشارات عابد.
- شهرآرای، مهرناز. (۱۳۷۲). الگوی تعاملی رفتار خلاق. *فصلنامه پژوهش‌های تربیتی*، ۳ و ۴.
- پرنده خوزانی، زهره. (۱۳۸۷). *بررسی سبک‌های شناختی و خودپنداره با خلاقیت در دانش‌آموزان دختر پایه ی دوم دبیرستان در سه رشته ریاضی فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی شهرستان خمینی شهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. منتشر نشده. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- طهماسبیان، حجت‌اله. افشارنیا، کریم، محمدی، شراره و کاکابرایی، کیوان (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت با خلاقیت در دانشجویان دختر و پسر. (چکیده دهمین همایش پیاپی سالیانه انجمن علمی روان‌پزشکان ایران ۱۶)، ۳۲۰.
- دائمی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). *هنجاریابی آزمون خلاقیت عابدی، تازه‌های علوم شناختی*، ۳ و ۴.
- گروسی، فرشی. صوفیانی، حکیمه. (۱۳۸۸). *بررسی ابعاد شخصیت و سلامت عمومی*. دانشگاه تبریز، گروه روانشناسی.

- Adrian, Furnham., Mark, Batey., Tom, W. Booth., Vikita, Patel & Daria, Lozinskaya (2011). *Thinking skills and creativity 6, Individual difference predictors of creativity in Art and Science students*. 114-121.
- Elizabeth, R., Peterson, Ian, J., Deary., Elizabeth & J. Austin. (2005). Are intelligence and personality related to verbal- imagery and wholistic- analytic cognitive styles? *Personality and Individual Differences* 39. 201-213.
- Casakin, Hernan., & Shulamith, Kreitler. (2011). The cognitive profile of creativity in design. *Thinking Skills and Creativity journal*. 159-16.